

مالیات مکوس (ضرائب گمرکی) در مصر دوره والیان (۱۹-۲۵۴ ق)

بهرام کارجواجیرلو^۱، نگار ذیلابی^۲

(دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۸ - پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۰۹)

چکیده

مکوس (ضرائب گمرکی)، مالیات ویژه واردات و صادرات کالاهای تجاری، یکی از منابع مهم مالی دوره والیان (۱۹-۲۵۴ ق) مصر بود. در دوره حاکمیت والیان مسلمان، مالیات مکوس، متأثر از قوانین مالیاتی مصر دوره بیزانسی، در شمار مالیات‌های رایج پذیرفته شد و با تغییر و تحولاتی تداوم یافت. والیان برای بهره‌برداری بیشتر از عوائد صادرات و واردات، در رونق تجارت خارجی و ایجاد بنادر و رونق آن‌ها می‌کوشیدند. در این نوشتار، بر اساس منابع متقدم، با روش توصیفی تحلیلی، قوانین مرتبط با مکوس در دوره والیان مصر و چگونگی تأثیر آن بر نظام اقتصادی مصر بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: تجارت، مصر دوره والیان، مالیات، مصر اسلامی، عاشر، ماکس، مکوس.

۱- کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

Email: Bahramkarju93@gmail.com

۲- استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

Email: n_zeilabi@sbu.ac.ir

مقدمه

پس از فتح مصر و استقرار عرب‌ها در شهرهای جدید، بر اساس سنت‌های مألوف عربی، جنگاوران فاتح بیشتر به امور نظامی و تجهیز سپاه برای گسترش فتوح، اشتغال داشتند و تجارت و داد و ستد هم چنان در اختیار طبقه‌ای رو به رشد از غیر عرب‌ها قرار داشت. ورود اعراب مسلمان گرچه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ساز تحول و تطوری بزرگ بود، اما در ساختار قوانین اقتصادی و تجاری مصر تغییر زیادی ایجاد نکرد. پرهیز عرب‌ها از تجارت عمومیت نداشت و برخی از آن‌ها، به ویژه فرماندهان ارشد سپاه و اشراف قبایل پس از فتح اسلامی به تجارت روی آوردند. عمرین خطاب در نامه‌ای به عمرو عاص - والی مصر - از او درباره ثروت فراوانش پرسید و عمرو در پاسخ نوشت: «سرزمین ما محل زرع و تجارت است و ما را بیش از آنچه نیاز داریم، نصیب می‌شود» (بلاذری، ۳۱۶).

از جمله پیامدهای انتقال خلافت به بنی‌امیه این بود که راه‌های تجاری به بندرگاه‌های شام و مصر منتهی شد. بویژه پس از پیروزی مسلمانان در نبرد ذات صواری (طبری، ۲۸۸/۴-۲۸۹) در سال ۳۴ و نابودی ناوگان دریایی بیزانس، شرق دریای مدیترانه، به دریای «عربی» مبدل شد. تسلط معاویه بر قبرس و دست اندازی به رودس و حمله به قسطنطنیه، موجب افزایش فعالیت مسلمانان در شرق دریای مدیترانه شد. در این دوران مهم‌ترین شهرهای تجاری جهان اسلام، دمشق در شام، اسکندریه در مصر، قیروان در مغرب، جده در جزیره‌العرب، کوفه و بصره در عراق و مرو در خراسان بود.

دولت اموی به تجارت داخلی و خارجی اهتمام داشت. در مصر، تعدادی بندر و بارانداز در اطراف رود نیل ایجاد شد که آبادانی و رونق این بنادر، وجهه همت والیان مصر بود. صنایع کشتیرانی و کشتی‌سازی شکوفا و ساخت دارالصناعه به این منظور در سال ۵۴ به دستور معاویه شروع شد. برای دسترسی چوب لازم جهت کشتی‌سازی، کشتی‌ها از آبراه نیل روانه فلسطین شدند (ابن‌عبدالحمک، فتوح مصر و اخبارها، ۸۱). رونق تجارت، منافع زیادی برای والیان داشت که از مهم‌ترین آن‌ها تمرکز بر مالیات مکوس و منافع حاصل از آن بود. هر چند مکوس، منافع زیادی برای والیان مصر و حکومت اموی داشت، اما بعدها به سبب ستمی که برای اخذ این مالیات، بر مردم می‌رفت، با مخالفت فقها و محدثان مواجه شد.

مکوس^۱ و ماکس

مکوس، بیشتر به مالیات و عوارض گمرکی که از کالاها گرفته می‌شد، اطلاق می‌شد (بستانی، ۴۳۱). در منابع، این اصطلاح با عباراتی نظیر "باج و عشر و خراجی که راه‌داران می‌گیرند یا مالی که از تجار در مرادد گیرند؛ آنچه اعوان سلطان به ستم در موقع خرید و فروش گیرند" وصف شده است (موسی، ۱۲۳۵/۲؛ فیروزآبادی، ۳۹۲/۲) این مالیات اخذ نمی‌شد مگر اینکه تاجر برای تجارت، از بلاد خود به بلاد دیگر رفته باشد؛ مثلاً تاجر شامی به مصر یا عراق برود (موسوی، ۲۱۳).

در بیشتر منابع از مالیات مکوس در سرزمین اسلامی با بدنامی یاد شده است. برخی از فقهای متقدم، اخذ عوارض از تاجران را در سرزمین‌های اسلامی، حرام می‌دانستند (برای نمونه نک: ریطی، ۴۴۸/۸؛ قدامه، ۱۰۵؛ ماوردی، ۵۰۹؛ مخزومی، ۲۷۲/۲). بنابر برخی از گزارش‌ها، اخذ این مالیات در دوره والیان، موجب نارضایی تاجران شده بود (جاحظ، ۳۹۱-۳۵۷/۶).

فردی با عنوان "صاحب مکس" یا "ماکس" همه امور مرتبط به اخذ و اجرای قوانین این مالیات چون جبايت، نظارت و تعیین حدود را بر عهده داشت (ابوحیب، ۳۳۸؛ بستانی، ۷۷۱؛ طناحی، ۳۴۸/۴).

پیشینه دریافت مکوس در مصر

دریافت مالیات مکوس در مصر، از دوره بیزانس رایج بود. این سرزمین با برخورداری از موقعیت استراتژیکی در منطقه، با قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا ارتباط داشت و به عنوان مرکز تجاری میان شرق و غرب شناخته می‌شد. از شهر قلزم در ساحل دریای سرخ،

۱- کلمه مکس را مشتق از لفظ سریانی ماکسو makso دانسته‌اند (Grohman, 9). مکوس جمع مکس یا مفس است که در لغت به معانی مختلف زیر آمده است: در خریدن چیزی چانه‌زدن، سختگیری و مخالفت کردن (بستانی، ۷۷۱)، کم نمودن قیمت و بها در بیع (ابوحیب، ۳۳۸؛ زبیدی، تاج العروس، ۴۴۷/۸) گرد آوردن مال؛ باج ستاندن و جبايت کردن (ابوحیب، ۳۳۸).

۲- درباره اخذ مالیات مکوس در سرزمین اسلامی، اختلاف فقهی و حدیثی وجود داشت. ابویوسف (۱۳۴) معتقد بود: «عشوری که از مسلمانان گرفته می‌شود در حکم صدقه است و عشوری که از اهل ذمه و مشرکین گرفته می‌شود در حکم خراج است» (۱۳۴؛ نیز نک: ریس، ۱۲۶-۱۲۷) اما بازرگانی در داخل سرزمین اسلام هیچ گونه عوارضی ندارد و عشر گرفتن از اموالی که در سرزمین‌های اسلامی از شهری به شهر دیگری منتقل می‌شود، حرام است (همان، ۱۲۷؛ ماوردی، ۵۰۹).

مواد غذایی به حجاز و یمن ارسال می‌شد و کالاهایی که از مصر به خلیج فارس می‌رسید، به وسیله کاروان‌ها، به بغداد حمل می‌شد. کالاهایی نیز که به عدن می‌رسید از راه بندر سوئیس به اسکندریه و تمام شهرهای شام برده می‌شد و بازرگانان اروپایی به اسکندریه می‌آمدند تا آنچه از این کالا مورد نیازشان بود، خریداری و به اروپا حمل کنند (کاشف، مصر فی عصر الولاہ...، ۲۹۷-۲۹۸). رونق بازرگانی خارجی در مصر، موجب شده بود که بر کالاهای تجاری کشورهای اروپایی و آسیایی که از راه‌های دریایی و خشکی به مصر آمد و شد داشتند، مالیات گرفته شود (مقریزی، ۲۰۴/۱). این مالیات، از کشتی‌هایی که برای تأمین آذوقه و مواد غذایی ساکنان عاصمه امپراتوری یعنی «رم» به مصر می‌رفتند و کالاهای گوناگونی چون غله، گوشت، روغن، ادویه، برده، عاج و طلا، حمل می‌کردند، گرفته می‌شد (Baynes, 100). همچنین بر کالاها و افرادی که از راه صحرا و از طرف دریای سرخ یا صحرای غربی وارد می‌شدند، عوارض گمرکی وضع شده بود. ایستگاه‌هایی نیز برای گرفتن مالیات از مال التجاره‌ای که بین مصر سفلی و علیا، برده می‌شد، ایجاد شده بود (ریس، ۵۰). سندی که در قفط یافته شده است، مقادیر عوارض گمرکی را روشن می‌کند؛ مثلاً از هر یک از ملوانان کشتی‌ها در دریای سرخ، ده درهم و از کمک ملوانان، پنج درهم دریافت می‌شد. در برخی از پژوهش‌های جدید، مالیات وضع شده بر کالاهای صادراتی و وارداتی، سه درصد تخمین زده شده است. مالیات کالاهایی که از سرزمین‌های عربی وارد بنادر دریای سرخ می‌شد، بیشتر بوده است (Baynes, 127-128). امپراتوری روم از اواخر سده چهارم میلادی، گرفتار مشکلات اقتصادی و مالیاتی پیچیده‌ای شد. پول رایج، اعتبار پیشین خود را از دست داد و فعالیت‌های اقتصادی رو به افول نهاد. کمبود کالاها و رکود اقتصادی، موجب نارضایتی‌های گسترده‌ای در شهرهای مختلف شد. در چنین وضعی، فرار از پرداخت مالیات، امری معمول بود. در نتیجه، دولت برای جبران خسارت‌ها، نظارت خود را بر تمام داد و ستدها افزایش داد و بسیاری از کالاها، مشمول قانون مکس شدند. به نظر می‌رسد همین نظام مالیاتی، با تمام مشکلات و معایب ساختاری، به دولت اسلامی، به ارث رسید. در واقع مالیات مکوس در مصر اسلامی را می‌توان ادامه مالیات گیری در دوره بیزانس دانست (کاشف، مصر فی فجر الاسلام...، ۵۵).

زمینه‌های وضع مالیات مکوس

تجارت خارجی در مصر دوره اسلامی، مورد توجه خاص والیان مسلمان بود؛ زیرا مالیات

مکس (عوارض گمرکی) برای دولت اسلامی درآمدزا بود. کالاها توسط کشتی‌هایی که در رود نیل شناور بودند، جابجا می‌شدند؛ مواد غذایی، حبوبات و انواع کالاها میان جنوب و شمال مبادله می‌شد، «از این کشتی‌ها هم مالیات گرفته می‌شد و هدف از آن حمایت از کشتی‌ها، قایق‌ها و تسهیل تجارت بود» (محمود، *دراسات...*، ۱/ ۸۱).

یکی از مهمترین زمینه‌های ایجاد مالیات مکوس در دوره والیان، تأثیرپذیری از دوره بیزانس بود. این مالیات، در دوره بیزانس مقدار مالیات گمرکی، نسبت به اشخاص مختلف مبلغی معادل ۵ تا ۱۸۰ درهم و نسبت به اموال بین ۳ تا ۱۰ درصد بود (Baynes, 83؛ ریس، ۵۵).

پس از تسلط عرب‌ها بر خلیج فارس، عبور کالا از طریق آسیای صغیر به بیزانس متوقف شد و تجارت از طریق شام، حبشه و خلیج (قلزم) و اسکندریه، رونق گرفت (محمود، *مصر الاسلامیه...*، ۴۸). تاجران شهرهای جنوبی ایتالیا و فرانسه، از طریق دریا و از بندر اسکندریه، با جهان اسلام ارتباط داشتند. کتان، گندم، حبوبات، خرما، میوه‌ها و برخی وسایل ساخته‌شده از مصر به بیشتر مناطق دنیا می‌رفت. مصریان از طریق دریای سرخ، دریای مدیترانه و بویژه از طریق «خلیج امیرالمومنین» (حموی، ۳۰۹/۲)^۱ که تا اوایل عصر عباسی موجود بود، به تجارت داخلی می‌پرداختند (شعیب، ۱۷۱). مهم‌ترین بندرهای داخلی مصر برای تجارت، «مینا الروضه» در ساحل فسطاط، چند لنگرگاه در ساحل بولاق که کشتی‌های نوبه‌ای‌ها و مسلمانان از اسوان به آن وارد می‌شدند و لنگرهای اسوان و قوص بود (مقریزی، ۳۵۱/۱). از اسکندریه و دمیاط کشتی‌های بازرگانی به سمت اروپا می‌رفتند و شهر قوص مرکز تجارت با نوبه و سودان بود. بندر معروف عیذاب در ساحل شرقی دریای سرخ نیز محل تجارت با یمن، هند، چین و حجاز بود. بندر عیذاب افزون بر اهمیت تجاری، محل اعزام حجاج مصر به حج بود. این شهر تقریباً مقابل بندر جده قرار گرفته بود (آزادی، ۲۸۹). ساخت بندرگاه روضه در نزدیکی فسطاط در دوره امارت مسلم بن مخلد، موجب رشد تجارت شد. از آنجا که مرکز دریافت مالیات‌های گمرکی نیز در این منطقه قرار داشت، ساخت این بندرگاه موجب گسترش بازرگانی و افزایش آمد و شد کشتی‌ها شد (رزاز، ۱۶۶).

۱- عمر بن خطاب به عمر بن عاص دستور داد تا خلیجی (کانالی) در کنار شهر فسطاط بکند و آن را از رود نیل به دریای قلزم پیوند دهد. در سال ۲۳ هجری حفر این کانال آغاز شد و پس از شش‌ماه به پایان رسید. هنوز یک سال نگذشته بود که در این کانال کشتیرانی آغاز شد و از آنجا برای مکه و مدینه طعام می‌بردند و خدا این را به سود مردم حرمین به پایان رسانید. پس «خلیج امیرالمؤمنین» خوانده شد.

در دوره والیان اموی و عباسی در مصر، بر اثر گسترش تجارت و افزایش درآمد حاصل از مالیات مکوس، به تدریج چهره نظامی شهر فسطاط تغییر کرد. زیرا تعدادی از عرب‌ها، سپاهی‌گری و جهاد را ترک کردند و به بازرگانی روی آوردند. از این‌رو «در اواخر دوران اموی، فسطاط دیگر برای اقامت سپاه مناسب نبود و شاید این مسئله یکی از علل تأسیس شهر العسکر توسط عباسیان بوده است» (عزب، ۳۹). شهر فسطاط از دهه‌های اول حکومت امویان، بازار پرومقی داشت و کالاهای مهمی که در قرون وسطی تولید می‌شد در بازارهای این شهر خرید و فروش می‌شد (Jomier, 2/957).

پس از گسترش تجارت و بازرگانی در دوره والیان از جمله عمرو بن‌عاص، مالیات مکوس با تأثیر پذیری از بیزانس وضع شد. میزان این نوع مالیات گمرکی، در دوره اسلامی کمی بیش از مالیات دریافتی در دوره بیزانس و رومیان بود (مخزومی، ۹).

پس از اسلام، برخی از قبایل عرب با هدف کمک به تجارت در صعيد مصر و مناطقی مانند بلجا و صحرای شرقی مستقر شدند و محافظت از قافله‌های تجارتي را که بین شهرهای صعيد تا دریای سرخ در رفت و آمد بود، بر عهده گرفتند. آنها کالاهای تجارتي را از صعيد مصر به بندر عیذاب در کناره‌های دریای سرخ می‌بردند. همچنین عده‌ای از عرب‌ها برای تجارت و بازرگانی در شهرهای قوص (نزدیک مرز اسوان) و قفط مستقر شدند (ریطی، ۶۸).

مکوس دوره والیان

در دوره والیان، به عوارض گمرکی که از تاجران گرفته می‌شد، مکس و به کسی که مأمور اخذ این مالیات بود، ماکس یا عاشر گفته می‌شد (قدامه، ۲۴۱). محل دریافت این مالیات ابتدا در شهر فسطاط و سپس در روستای ام‌دنین در شمال این شهر قرار داشت؛ ام‌دنین به سبب استقرار این مرکز مالیاتی مقس هم خوانده می‌شد؛ بعدها این مرکز به قاهره منتقل شد (مقدسی، ۳۰۵/۱). به سبب ظلمی که برای دریافت این مالیات بر تاجران می‌رفت، محدثان و مورخان به مذمت مکوس پرداخته‌اند (جاحظ، ۳۵۷/۶-۳۹۱). در بیشتر منابع، مکوس و عشور، مترادف به کار رفته‌اند. از این رو به مأمور جمع‌آوری این نوع مالیات، عاشر یا ماکس می‌گفتند (قلقشندی، ۴۰۷/۳؛ مقریزی، ۲۱۸/۳). بر اساس شواهد موجود در منابع می‌توان دریافت که مکوس در هربار که تاجر، مال‌التجاره خود را وارد یا خارج می‌کرد، بر وی وضع می‌شد اما عشور هر سال تنها یک بار از تاجران گرفته می‌شد (موسوی، ۲۱۳).

نام دیگر مکوس در مصر سده نخستین، خمس الرومی بود که به مالیات کالاهای وارد شده به مصر به توسط بازرگانان بیزانس، ایتالیا، ژنوا و ونیز گفته می‌شد (مقریزی، ۱۰۳/۱-۱۰۴). مکوس ابتدا به دستور عمر بن خطاب دریافت شد (همان، ۱۸۴/۱). عمر به عمروبن‌عاص دستور داد که چنین مالیاتی وضع کند. حُجاج نخستین گروهی بودند که مکوس بر آنها مقرر شد (نویری، ۱۵۱/۲۳). وضع و نظارت بر اخذ این مالیات وظیفه صاحب مکس بود. مقریزی (خطط، ۱۲۳/۲) ربیع بن شریبیل بن حسنه را نخستین والی مکس مصر در دوره اسلامی در زمان عمروبن‌عاص دانسته است. ظاهراً پیش از او نخستین مأمور این مالیات، خالد بن ثابت فهمی بود (ابن عبدالحکم، فتوح مصر و المغرب، ۲۵۸؛ کندی، ۱۱۶). او بزودی از این مسؤولیت کناره گرفت و عمرو عاص را نیز از اخذ آن بر حذر داشت و توصیه کرد که به مکس نزدیک نشو که صاحب آن در آتش است (سیوطی، ۱۲۱/۱). این روایت نشان می‌دهد که به رغم رسمیت یافتن عشور و مکس در دیوان و تشکیلات اسلامی، در این سال‌ها، تلقی رایج در دوره پیامبر مبنی بر حرمت این مالیات همچنان مطرح بوده است؛ به تعبیر مقریزی (خطط، ۱۲۳/۲) اهل ورع از اصحاب سلف مکس را ناپسند می‌شمردند.

عمر بن عبدالعزیز به مالیات مکوس مصر اهتمام زیادی نشان می‌داد، چنانکه به عبدالله بن عوف قاری دستور داد برای نظارت بر دریافت مکوس، در محل بیت‌المکس که مرکز اداری رسیدگی به اموال مکوس بود، مستقر شود (ابوعبید، ۶۳۳). در دوره وی، زریق بن حیان از طرف خلیفه مأمور اخذ این مالیات بود و دستور داشت که از تجار مسلمان از هر چهل دینار، یک دینار و از تجار ذمی از هر بیست دینار، یک دینار مکس دریافت دارد و اگر میزان مال التجاره کمتر از این مقدار بود، از مکس معاف باشد (مقریزی، ۲۲۱/۳).

با این که مکوس، بر تجارت خارجی تعلق می‌گرفت، بر اساس برخی گزارش‌ها، گاه وضع و نظارت بر مالیات‌های مستحدثه‌ای چون مصاید و مراعی نیز در اداره مکس انجام می‌شد و ذیل عواید مکوس قرار می‌گرفت (محمود، *دراسات...*، ۱۹۵/۱). مراعی (مالیات مراتع) و مصاید (مالیات شکار از دریا) طبق اوراق بردی، بین سال‌های ۲۴۷-۲۵۳ توسط احمد بن مدبر ایجاد شد (گروه‌مان، ۷). مالیات مراعی در واقع مالیات بر حیوانات اهلی بود که از مراتع استفاده می‌کردند (کاشف، *مصر فی فجر الاسلام...*، ۵۸). مصاید که مالیات بر شکار از دریا را شامل می‌شد، بیشتر به ماهی‌ها، زمین‌های کشاورزی ساحلی و نمک تعلق می‌گرفت (مقریزی، ۲۰۲/۱) ابن‌مدبر برای هر یک از این مالیات‌های جدید،

دیوانی ذیل دیوان مکوس ایجاد کرد که بعدها در شام نیز رواج یافت (بلوی، ۴۳؛ مقریزی، ۲۰۵/۱). به نوشته مقریزی (۸۹/۱)، مالیات مکوس بر چرا، صید، کالا، ترانزیت، کشتار و ذبح، بازار و حتی بر حاجیان تحمیل می‌شد. در دوره والیان بیشتر مالیات‌هایی که مورد ذم جامعه مصر قرار داشت، چون مالیات مکس، مراعی و مصاید، در یک دسته قرار می‌گرفتند که همه این نوع مالیات‌ها در مجموع مکوس خوانده می‌شدند. این مالیات همچنین، ابتدا به مالیات «هلالی» معروف بود. از جمله این مالیات‌ها، عوارضی بود که از کالاهای کشتی‌های غیرمسلمان همچون هندوها و فرنگیان که از سرحدات دریایی اسلام می‌گذشت، به مقدار ده یک به صورت نقدی یا جنسی گرفته می‌شد (ابن ممتی، ۳۵۳).

شیوه اخذ مکوس

اخذ مالیات مکوس شیوه‌های گوناگونی داشت. پس از فتح مصر، دریافت این مالیات براساس فرمان خلیفه - عمر بن خطاب - صورت گرفت و مقدار آن، ۱۰۵ درهم از مسلمانان (در روایتی از هر چهل درهم، یک درهم) و ۲۰۰ درهم از اهل ذمه و ۱۰۰۰ درهم از تجار حربی بود (مقریزی، ۱۸۴/۱) در دوره والیان، مقدار این مالیات متفاوت بود، با این حال به نظر می‌رسد کمی بیش از مالیات دریافتی در دوره بیزانس و رومیان بود (مخزومی، ۹).

از کشتی‌های تجارتی، هر بار که در بنادر مصر بارانداز می‌کردند، مکوس گرفته می‌شد و صاحب مکس مهر خویش را بر کالاها می‌زد و نیز رسیدی مبنی بر اخذ مالیات به تاجران تحویل می‌شد. مقدار و شیوه دریافت مکوس، بسته به مکان و زمان و کالا، متفاوت بود (مقدسی، ۲۱۳-۲۱۴؛ مقریزی، خطط، ۱۲۱/۲) همچنین عوارضی از کالاهای کشتی‌های غیرمسلمان همچون هندوها و فرنگیان که از سرحدات دریایی اسلام می‌گذشت، می‌گرفتند که انواع محصولات چون مصنوعات و منسوجات را شامل می‌شد (کاشف، مصر فی عصر الولاہ...، ۴۵؛ همو، مصر فی فجر الاسلام...، ۵۵ - ۵۷).

نتیجه

با فتح مصر در سال ۲۰ هجری، مسلمانان با تأثیرپذیری از نظام مالیاتی بیزانس، بسیاری از مالیات‌های پیشین را در تشکیلات اداری و مالی دولت اسلامی وارد کردند. یکی از مهم‌ترین این مالیات‌ها، مکوس یا عوارض گمرکی یا بازرگانی بود. با گسترش تجارت، این مالیات به یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت تبدیل شد؛ مسلمانان، ذمیان و

بازرگانان خارج از قلمرو دارالاسلام، یعنی اهل حرب با ضرائب متفاوت تحت شرایطی مشمول این مالیات می شدند. همچنین افزایش درآمد حاصل از مکوس موجب ایجاد بنادر جدید و رونق بازرگانی شد و به تدریج با گسترش بازرگانی، این مالیات هم گسترش یافت و به صورت نظام‌مند درآمد.

منابع

- آزادی، فیروز، *تاریخ سیاسی و اجتماعی مصر*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ش.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، *فتوح مصر و اخبارها*، لیدن: ۱۹۲۰م.
- همو، *فتوح مصر و المغرب*، بی‌جا: مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن مماتی، أسعد بن مهذب، *کتاب قوانین الدواوین*، چاپ عزیز سوربال عطیه، قاهره: مکتبه المدبولی، ۱۴۱۱ق.
- ابوحیب، سعدی، *القاموس الفقہی لغه و اصطلاحا*، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابوعبید، قاسم بن سلام الهروی، *الاموال*، چاپ، محمد خلیل هراسی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، *کتاب الخراج*، المطبعه السلفیه، ۱۳۹۶ق.
- بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۸م.
- بلوی، ابو محمد عبدالله بن محمد، *سیره احمد بن طولون*، چاپ محمد کرد علی، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیه، بی‌تا.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، *الحيوان*، چاپ محمد باسل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳ش.
- رزاز، حسن، *السیاحه الدینیه فی مصر*، قاهره: دارالبقا، ۱۴۲۰ق.
- ریس، ضیاءالدین، *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳ش.
- ریطی، ممدوح عبدالرحمن، *دور القبایل العربیه فی صعيد مصر منذ فتح الاسلامی حتی قیام الدوله الفاطمیه و اثرها فی نواحی*، قاهره: مکتبه مدبولی، بی‌تا.
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- شعیب، علی عبدالمنعم، *المختصر فی تاریخ مصر*، قاهره: الطبعة الاولى، دار ابن‌زیدون، بی‌تا.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل والملوک*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۹۶۷م.

- طناحی، طاهر احمد، *النهايه في غريب الحديث والأثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، 1367ش.
 عزب، خالد، *الفسطاط، النشاه، الازدهار، الانحسار*، قاهره: الطبعة الاولى، دارالافتاق، 1418ق.
 فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، *القاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1415ق.
 قدامه، ابن جعفر، *الخراج و صناعه الكتابه*، بغداد: دارالرشید للنشر، 1981م.
 قلقشندی، احمد بن عبدالله، *صبح الأعشى في صناعة الإنشاء*، چاپ محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
 کاشف، سیده اسماعیل، *مصر في فجر الاسلام من الفتح العربي الى قيام الدوله الطولونيه*، قاهره: دارالفکر العربی، 1947م.
 همو، *مصر في عصر الولاہ من الفتح العربي الى قيام الدوله الطولونيه*، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب، 1988م.
 کندی مصری، محمدبن یوسف، *تاریخ ولاه مصر*، بیروت: موسسه کتب الثقافه، 1407ق.
 گروهمان، آدلف، *اوراق البرديه العربيه*، تحقیق: حسن ابراهیم حسن، ترجمه عبدالصمد حسن، قاهره: دارالکتب المصريه، 1412ق.
 ماوردی، علی بن محمد، *الاحکام الاسلطنیه*، تعلیق: محمد خالد الفقی، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، 1406ق.
 محمود، حسن احمد، *دراسات في السياسه العامه للدوله الامويه في مصر*، قاهره: دارالنهضه العربيه، 1990م.
 همو، *مصر الاسلاميه منذ الفتح العربي حتى قيام الدوله الفاطميه*، قاهره: دارالفکر العربی، 1422ق.
 مخزومی، علی بن عثمان، *کتاب المنهاج في علم خراج مصر*، چاپ کلود کاهنی و یوسف راغب، قاهره: دارالکتب، 1986م.
 مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، *احسن التقاسيم في معرفه الاقاليم*، قاهره: مکتبه المدبولی، 1411ق.
 مقریزی، تقی الدین...، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار*، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1418ق.
 موسوی، سیدجمال، *تشکیلات اسلامی*، مشهد: آستان قدس رضوی، 1393ش.
 موسی، حسین یوسف، *الافصاح*، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، 1410ق.
 نویری، شهاب الدین احمدبن عبدالوهاب، *نهايه الارب في فنون الادب*، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه، 1423ق.

Grohmann, *Arabic Papyri*. Vol. III.

J. Jomier. "Fustat", *Encyclopedia of islam*, new edition, leiden.

N. H. Baynes, *the Byzantine Empire*, H. U. Londen 1935.